



پیشرفت در مقابل توسعه غربی به‌عنوان الگویی درونی و بومی در سبب تغییر و تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مطرح است، چرا که توسعه مبتنی بر نظریه داروینیسیم اجتماعی و تنازع بقا شکل گرفته و به‌دنبال ارائه الگویی در باب تغییرات اجتماعی و انجام سریع آن است، درحالی‌که نظریه پیشرفت مبتنی بر الگوی بومی در چارچوب مکان و زمان فرهنگی صورت می‌پذیرد. این رویکرد بر خلاف نظریه توسعه، بر اساس نزاع و جنگ ارائه نشده است و در آن، خانواده به‌عنوان مبنا در مقابل اصالت اقتصاد که در قالب اصالت فرد یا جامعه بیان می‌شود، قرار دارد. در چنین نظریه‌ای، تغییرات و تحولات اجتماعی به‌صورت بطئی و بنیادی صورت می‌پذیرد و دین با لسان آن تاریخ و جغرافیا ارائه می‌شود و ظهور می‌یابد: «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا يَلْسَنُ قَوْلِهِ لِبَنِيٍّ لِّئَلِمَهُ». ازاین‌رو، پیشرفت با ۲ مؤلفهٔ اسلامیت و ایرانیت عجین می‌شود و مبتنی بر ساخت درونی و ذاتی آن جامعه شکل می‌گیرد. این‌جاست که اعتمادبه‌نفس ملی نقش بارزی در الگوی پیشرفت دارد و آن را متفاوت از دیدگاهی می‌کند که الگوی پیشرفت خویش را مبتنی بر مصداق و مفهوم توسعه، یعنی غرب و بویژه آمریکایی شدن قرار می‌دهد. در واقع این دیدگاه در تضاد با نگاهی است

که به‌دنبال اسلامی‌سازی الگوی توسعه و معرفی غرب به‌عنوان اسلام و انسان کامل مبتنی بر این دیدگاه است که «اسلام را در غرب دیدم و مسلمان را در شرق». سرو کین یکی از برجسته‌ترین جامعه‌شناسان معاصر، با طرح نظریه «تحول درون‌ذاتی» معتقد است در تحولات اجتماعی و فرهنگی، عوامل خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای ندارند، بلکه تحول در ذات هر جامعه و بیشتر متأثر از سرشت و شرایط و اوضاع خود آن جامعه است. هرچند سروکین بسان دیگر اندیشمندان غرب، تکنگر است و تنها بخشی از واقعیت را به‌عنوان کل واقعیت ارائه می‌کند و نقش عوامل نفوذی مانند تکنولوژی و عوامل تحمیلی مانند استعمار را از نظر دور می‌دارد ولی به‌عنوان چارچوب تئوریک می‌تواند بخش اعظم پاسخ به موضوع مورد بحث را داشته باشد. از آنجا که در نگاه اسلامی- ایرانی، فرهنگ به‌عنوان زیرساخت و اصل و عوامل مادی به‌عنوان موضوعات فرعی است و در بستر فرهنگ زاینده می‌شود، لذا ما ریشه‌های عدم اورد، به پیشرفت درون‌زا در جامعه ما به ۲ عامل غیرمادی و مادی تقسیم و بر اساس آن تحلیل و تفسیر می‌کنیم. در این باب، باید به این سؤالات

## ریشه‌یابی عدم اعتماد به نفس ملی در میان ایرانیان

# پیشرفت درون‌زا را باور نداریم

- سید علی‌لطیفی\*

و نویسندگان و هنرمندان وابسته، استعمار این تز را رواج داد که تمدن یکی و آن هم تمدن غرب است و هر کس می‌خواهد متمدن باشد، باید تمدن خودش را رها کند و راه و رسم غربیان را پیشه کند. جالب است که با نگاه به نظریات غرب جدید، در باب طبقه‌بندی دوره‌های تاریخی نیز این روند به‌صورت منسجم و تئوریزه شد و دوران تاریخ را بر اساس نظریات تکاملی منبعث از داروینیسیم اجتماعی به ۳مرحله درنده‌خویی، وحشی‌گری و تمدن تقسیم کرد. بدین‌ترتیب آغاز تمدن را همراه با نوآوری و تکنولوژی بیان کردند و این تمدن همان روندی معرفی شد که غرب به‌تنهایی از دوران رنسانس به بعد آغاز کرده است و دیگر جوامع نیز به‌دلیل عقب‌ماندگی تکنولوژیک، به‌عنوان بقا در دوران وحشی‌گری و درنده‌خویی معرفی شدند و دوباره نظریه بربریت دوران یونان باستان با نظریه داروینیسیم اجتماعی گره خورد و بازتولید شد و کلنیالیسم و غربگرایی تئوریزه شد. در این راستا، روشنفکران با ترجمه غلط و بعضاً انحرافی از واژگان لاتین و کتب غربی، سبب جهالت مرکب جامعه ایران شدند. البته این تنها بخشی از اشتباهات روشنفکران بود. در همین راستا، یکی از واژگانی که روشنفکران به‌غلط و در راستای اهداف استعماری جعل کردند، واژه لاتین «کلنیالیسم» بود که به‌غلط و با دسیسه روشنفکران بیمار دل به‌تعبیر مقام معظم رهبری، به واژه عربی «استعمار» ترجمه شد. در واقع این جریان مبتنی بر بردماری، سودجویی از منابع طبیعی و بهره‌کشی از مردم کشورهای ضعیف بود که به «استعمار» (بمعنای آباد کردن و ساختن) ترجمه شد. این پدیده که با چپاول و تاراج همراه بود، به‌دنبال پیوند کشورهای ضعیف و بی‌رامونی به کشور مادر جهت تولید و استفاده از منابع اولیه این کشورها اتفاق می‌افتاد. پدیده سرمایه‌داری و کاپیتالیسم نیز با ایجاد وابستگی اقتصادی و به راه انداختن الیناسیون فرهنگی به‌عنوان عامل تداوم‌بخش سرمایه‌داری، توانست فرهنگ مصرف جامعه ایرانی را از یک فرهنگ زهدگرا و اشرافی به فرهنگ مصرف‌گرا تبدیل کند، چرا که کاپیتالیسم که ماهیتاً تجارز‌گر است، از طریق تولید ماشین با توجه به پیشرفت‌های تکنیکی، به‌صورت تصاعدی به تولید می‌پردازد، درحالی‌که مصرف در جامعه به‌صورت تصاعدی بالا نمی‌رود یا لاقول شدت تصاعدش به‌مراتب کمتر است، لذا غزب برای فروش مازاد تولید، باید از طریق تحمیل عادات و اطوار و طرز تفکر و زندگی و قالب‌های غربی، می‌کوشید برای تولیدات و مصنوعات کارخانه‌های خود، تقاضا ایجاد کند. بدین‌سان غرب با تغییر نگرش فرهنگی اشراف جامعه (که سرریز فرهنگی در جامعه توسط این طبقه صورت می‌گیرد) توانست ذائقه فرهنگی جامعه را تغییر دهد و فرهنگ خود را به‌صورت استعلاعی بر دیگر اقشار جامعه تحمیل کند. هرچند تکنولوژی عامل مادی غربگرایی و شکل‌گیری اسطوره‌ای غرب در جوامع است ولی عامل اصلی در شکل‌گیری پرستیژ و اسطوره برتری غرب، عامل روانی است. از آنجا که سرمایه‌داری، اشرافیت و غربگرایی به‌عنوان عوامل ساختاری و کارگزاران در اسطوره‌بخشی به غرب محسوب می‌شدند، باید گفت در طول تاریخ این طبقات مرفه و اشراف جامعه، چه در معنای سنتی و چه در معنای

اسلامی بوده‌اند. به‌عبارتی باید گفت تمام سیستم‌ها و نظامات و مکانب غربی، طرفداران خود را از میان اشراف جامعه می‌یافتند. این‌روند حتی در جریانات کمونیستی نیز ظهور داشت و عمده طرفدارانش از اشراف‌زادگان و بچه‌های اعیان و سرمایه‌داران بودند. این طبقات با الگوگیری از فرهنگ غرب و به‌عنوان عامل اصلی در تحولات اجتماعی و نفوذ تیپ در جامعه، سبب شدند عامل برتری اسطوره‌ای نظامی و مادی غرب به لباس، عادات و اطوار و طرز نشستن، گفتار و رفتار فردی و جمعی غربیان نسبت داده شود. اقتباس فرآورده‌ها و لباس و تقلید از ادب و اطوار غربیان برای طبقه بالای شهری، نشانه نجات از عقب‌افتادگی و برای طبقه متوسط نشانه شمول در طبقه بالا محسوب می‌شد و در اذهان ساده برخی مردم، یک احساس خطرناک، یعنی اعتقاد به برتری غرب و عقده خودکمتریتی را در پی داشت، لذا می‌توان گفت آنچه فرهنگ را دگرگون کرد، غربی نبود که به‌عنوان فاتح نظامی وارد شد، بلکه غربی بود که به‌صورت استاد و مربی و برادر بزرگ حضور پیدا کرد. از آنجا که فرهنگ در ایران به‌صورت استعلاعی و از بالا به پایین در طول تاریخ اعمال می‌شد، در این روند علاوه بر اشراف، دستگاه حاکمه نیز در بسط و گسترش فرهنگ غرب و ضدیت با فرهنگ ایرانی، کمک و موتور نفوذ الگوهای توسعه در جهان غیرغربی بود. در جوامع این‌چنینی، عمل استبداد داخلی و ماشین زور بود که در دیکتاتوری‌های رضاخانی، آتاتورکی و… ظهور و بروز یافت و ایسن نظام‌های دیکتاتوری بودند که معیارها و ارزش‌های مسوری غرب را بر جامعه تحمیل کردند و جریان روشنفکری نیز از طریق اقتاع در کنار ابزار زور، کمک‌رسان آن بوده است. جالب است که در این روند، هم جریان کاپیتالیستی و هم جریان کمونیستی، در بیگانه‌سازی جامعه از فرهنگ خویش و وابستگی به کیرون به‌صورت هم‌زمان، نقش ایفا می‌کردند. مساله‌ای بیرون‌های ساختار صنعتی غرب را بر جامعه تحمیل کردند و روشنفکر درمندا) از حزب توده به‌دلیل وابستگی به شوروی بیان شده است.

■ **نتیجه‌گیری**

راه برون‌رفت از این شرایط و توانایی ارائه الگوی پیشرفت، مبتنی بر شناخت صحیح اندیشه اسلامی، غربی و تاریخ فرهنگ ایران است تا در سایه این شناخت توابخ به‌صورت کارآمد در ساحت عمل بدرستی حرکت کرد. در این جهت باید متون اصلی غربی ترجمه و ارتباط آنها با بنیان‌های‌شان در دین پهود، مسیحیت، فلسفه شرک‌آلود یونانی و حقوق رومی تبیین شود تا در سایه این غیریت‌ها، الگویی مناسب با ساخت فرهنگی ایران ارائه شود. این تجویز که در این آیات قرآن نهفته است، به بویایی و شمولیتی و کارآمدی الگوی پیشرفت، آن‌هم نه مبتنی بر جنگ، بلکه همراه با صلح، منجر خواهد شد: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا»، «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»، «مَا كَانَ لِإِكْتِهَابِكُمْ هُدًى وَلَا نُضْرًا لِئَلَّا يَصْغُرَ بِكُنْ كَأَنَّ خَيْفًا مَسْلُومًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.»

■ **کارشناس ارشد علوم سیاسی منبع: بهران**

کلی امت اسلام با هم همکاری می‌کنند. خداوند نگاه و سیستمی، پرورش و تعلیم و تربیت نسلی است که نه‌تنها درس خواندن اولویت‌شان نیست، بلکه حرمت مدیر و معلم را نیز به اندازه بر کاهی نگاه نمی‌دارند و از توهین و درگیری و فحاشی و ضرب و شتم و حتی قتل معلم در کلاس درس ایایی ندارند! ■ **سخن‌پایانی**

بی‌هیچ تردید زیربنا و اساس توسعه هر

کشوری توجه جدی به همه ابعاد آموزش‌وپرورش است. اگر ن‌سوع نگاه و نگرش مسؤولان نظام نسبت به آموزش‌وپرورش تغییر کند و از اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت، عاری‌های، سطحی و نیزخما نظیر استخدام معلم با قدرت سنجایی نچوا از فاصله ۶ متری، طرح کشدار و من‌درآوردی رتیه‌بندی، پسر کردن کلاس‌های درس تا ۴۰ نفر، ضمن‌خدمت‌های پولی، تدریس دروس توسط معلمان غیرمتخصص، تلاش در جهت حذف اضافه‌کاری از سفره فرهنگیان، تدریس اجباری مدیران و معاونان در مدارس و سایر مواردی که شرح آنها مثنوی هفتاد من کاغذ است، صرف نظر کنند و به اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدتی رو بیاورند که علاوه بر اختصاص بودجه دارای هدف و ساختار مشخصی باشد، شاید در آینده ثمرات و تبعات این برنامه‌ریزی را ببینیم، البته به شرطی که در این بین کمبود بودجه را بهانه نکنند و با دست و بازایی و ساختارمندی بخشی در ازآمدهای هنگفت این کشور را به «ساماندهی آینده و آینده‌سازان کشور» اختصاص دهند! شاید فردا دیر باشد…

## هزارتوی آموزش‌وپرورش و بیم‌های پیش‌رو!

**وحید حاج سعیدی:** سخن راندن در باب اهمیت مقوله «آموزش‌وپرورش» در تربیت نسلی بویا و کارآمد یکی از آسان‌ترین، کاربردی‌ترین و پرمصرف‌ترین رویکردها در نظام سخنوری جامعه است و کمتر نویسنده، محقق، پژوهشگر و سخنرانی را می‌یابید که در این باب قلم زده باشد یا تحقیق و سخنرانی نکرده باشد. چرا که اساساً حرف زدن و سخن گفتن به مراتب ارزان‌تر، آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر از عمل کردن و به کار بستن است.

در طول ۴ دهه گذشته که شاهد رشد علمی شتابنده در بسیاری از امور بودیم، کشورهایی که از نظر علمی و فرهنگی و اقتصادی در جایگاهی به مراتب پایین‌تر از ما بودند حرکت در مسیر توسعه را با جدی گرفتن مقوله آموزش آغاز کردند و در عوض سخنوری در باب آموزش‌وپرورش، برگزاری بی‌شمار همایش و نشست و سمینار بی‌حاصل و تغییرات مداوم سیستم و کتب آموزشی، اقدام به اجرای سیاست‌های عملی مدونی کردند که ماحصل آن را ما در کنفرانس‌ها، نشست‌ها، سخنرانی‌ها و همایش‌های مان‌ارزومی کنیم!

■ **آموزش‌وپرورش‌ورکشسته**

بی‌هیچ تردیدی نگاه و دلسوزی تصنعی به مقوله آموزش‌وپرورش و اختصاص و واریز بودجه قطره‌چکانی به این سیستم بیمار و ایجاد تغییرات غیرضروری فاقد ضمانت اجرایی، حال و روز این جایگاه‌مقدس ومخترم‌را به‌حقیض‌ترین‌موقعیتش رسانده است. اصلاح امور در این آموزش‌وپرورش ورکشسته و در حال احتضار که تاکنون بیش از ۱۲ وزیر به خود دیده به رویایی می‌ماند که با ادامه روند کنونی هیچگاه تغییر نخواهد شد، چرا که هرچند صباح این ساختار معیوب با انبوهی از گرفتاری‌های پیش‌بینی شده و نشده، وزیر جدیدی بر مسند بی‌پای و کوبال خود می‌بینند که تنها هدف‌هاش باید پر کردن کلاس‌ها با معلمانی خسته و فرسوده و تامین حقوق بخور و نمیر آنان باشد! کار تا جایی که هرچند سسه کلاسه توسط نیروهای مسلح در نقطه سفر مرزی به وجد می‌آید و در چند وعده خیبری آن را با آب‌وتاب و سایر مشکلات پیش‌دستی بازپخش می‌کنند، در حالی که داشتن مدرسه خوب و استاندارد، حق همه دانش‌آموزان ایرانی است! حال و روز معلمان نیز در این سیستم، نگفته پیداست. معلمانی که بدون تعارف تنها جسم‌شان در کلاس است و روح‌شان در آژانس‌ها و تاکسی‌تلفنی‌ها، داروخانه‌ها و مغازه‌ها، میهن‌های کشاورزی و بنگاه‌های املاک و در خوشبینانه‌ترین حالت در آموزشکده‌ها و دانشگاه‌ها دردمندان این‌اضافه‌کاری و تلاش مضاعف فقط و فقط برای دانشتن یک زندگی حداقلی و گذراندن امور روزمره یک زندگی ساده و عادی است و تلاش برای کسب درآمد بیشتر، به منظور تفریح یا خرید خله و سفرهای داخلی و خارجی نیست! در حالی که سایر ادارات بدون سرورصدا و جار و جنجال حقوق کارمندان را افزایش می‌دهند و گاه تاریخ اجرای حکم را از چند سال قبل لحاظ می‌کنند، در آموزش‌وپرورش برای افزایش حداقلی باید نظام رتبه‌بندی اجرا شود که بعد از گذشت چند سال از تدوین آن هرچند وارد فاز اجرا نشده است و رزکنن اجرای نهایی آن از کشوی وزیری به وزیر دیگر منتقل می‌شود!البته از نظام آموزشی‌ای که سه‌شمنش از رسنه ملی تنها پخش تیزرهای تبلیغاتی کلاس‌های کنکور و آموزشگاه‌های علمی است، معلم نمونه‌اش سهمی در هیچ کدام از تصمیم‌گیری‌های نظام آموزشی ندارد، نشانه اضافه کار ذنب لایغفر محسوب می‌شود و هیچ معلمی حق داشتن اضافه‌کاری ندارد، معلمان تصادف‌کرده، سسرطانی و سکتنه‌کرده باید تدریس کنند، انتخاب مدیران و معاونان مدارس سلیقه‌ای و رفاقتی است و…، بیش از این انتظاری نیست و ماحصل چنین نگاه و سیستمی، پرورش و تعلیم و تربیت نسلی است که نه‌تنها درس خواندن اولویت‌شان نیست، بلکه حرمت مدیر و معلم را نیز به اندازه بر کاهی نگاه نمی‌دارند و از توهین و درگیری و فحاشی و ضرب و شتم و حتی قتل معلم در کلاس درس ایایی ندارند!

### گفتاری از دکتر الدسوقی، استاد دانشگاه قاهره

## مصرِ شیخ شلتوت

بر است. او همچنین نقش بزرگی در ترویج تفسیر قرآن کریم به زبان ساده و تألیف و تدوین فقه جدید داشته و مقالات او در این زمینه در مجله «الرساله» منتشر است. او همچنین کتاب ارزشمندی به نام «تفکاید اسلامی» دارد که آن را با زبانی ساده و نسبتاً همه‌فهم و با قلمی روان و بیان مسائل اختلافی و نظریات متنقاض برهیز کرده است. این کتاب تاکنون بیش از ۲۰ بار تجدید چاپ شده است.



آمده است. همچنین همه دیگر فعالیت‌های علمی او در مجله «رساله الاسلام» ثبت است و مجمع علمی تقریب، تمام شماره‌های این مجله را در ۲۰ جلد به چاپ رسانده است. کوتاه سخن آنکه شیخ شلتوت مرد بزرگی است که الازهر به داشتن چنین فرزند عالم، فقیه، مفسر و مجاهدی و به پروراندن او در دامن خود

علمی برجسته و حضوری فعال و پررنگ در صحنه اجتماعی و در عرصه رسانه‌ای داشت؛ عملکردی که بر پایه یک ذخیره ارزشمند علمی بنا نهاده بود. شیخ همچنین کتاب ارزشمندی به نام «تفکاید اسلامی» دارد که آن را با زبانی ساده و نسبتاً همه‌فهم و با قلمی روان و بیان مسائل اختلافی و نظریات متنقاض برهیز کرده است. این کتاب تاکنون بیش از ۲۰ بار تجدید چاپ شده است.

■ **میراث علمی شیخ**

اخیراً کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی کتابی را با عنوان «پیشگامان تقریب» منتشر کرده و در آن از بزرگان و شخصیت‌های اصلی وحدت اسلامی نام برده است. شیخ شلتوت یکی از شخصیت‌های برجسته مورد اشاره در این کتاب است. شیخ شلتوت نمونه یک عالم، مربی، مجاهد و مصلح بزرگ است که همه هم و غم او مسألهٔ تقریب بود. تاکنون پایان‌نامه‌های بسیاری درباره او و رویکردهای علمی‌اش در دانشگاه الازهر نگاشته شده است. این عالم بزرگ با تحقیقات گسترده علمی خود و با حضور پررنگش در مجامع علمی بین‌المللی در داخل و خارج مصر نقش ویژه‌ای را در دفاع از دین اسلام ایفا کرد. وی ثابت کرد دستورهای این دین الهی از تمام قوانین مکاتب بشری

رهبر انقلاب اسلامی در خطبه عربی نماز جمعه ۱۴ بهمن ۹۰، هنگامی که به تبیین چشم‌انداز اسلامگرایی در کشورهای منطقه و بویژه مصر پرداختند، فرمودند: «مصر، مصر مجمع تقریب مذاهب اسلامی و شیخ شلتوت است». ایشان سال ۷۹ نیز در پیامی به کنگره بزرگداشت حضرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی و علامه شیخ محمود شلتوت، نکاتی را درباره این مفتی بزرگ اهل سنت و رئیس دانشگاه الازهر مصر بیان کردند. پیشهاد شیخ شلتوت در کاربرد نام «مذاهب اسلامی» به جای «فقه‌ها» و «طوائف» اسلامی و فتوای تاریخی او در جواز پیروی از مذهب امامیه و صحت عمل به اجتهاد مذاهب صحیحه، همچون بارانی پاک‌کننده بود که بسیاری از توطئه‌های تفرقه‌افکنانه، را از جهان اسلام شست و برد. دکتر محمد الدسوقی، استاد دانشگاه قاهره در این گفتار به توصیف شخصیت شیخ محمود شلتوت پرداخته است. شیخ محمود شلتوت (۱۳۸۳–۱۳۱۰ ه‍.ق) از علمای بزرگ جهان اسلام است که نقش برجسته‌ای در نزدیک کردن و قرابت ملت‌های اسلامی ایفا کرد. این مرد بزرگ در دانشگاه «الازهر» آموزش دید و از مؤسسان «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» در قاهره بوده، مجمعی که یک قرن پیش تأسیس شد و بیش از ۲۰ سال در این زمینه فعالیت کرد. «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» در ایران نیز در امتداد فعالیت‌های آن به شمار می‌آید. تنها یکی از تولیدات علمی این جماعت، مجله «الرساله» بود. شیخ شلتوت مردی فقیه و برخوردار از یک فهم سلیم و صحیح بود و بر مذاهب فقهی مختلف، احاطه علمی داشت. شخصیتی متدل و میانه‌رو داشت و فعالیت